



شیخ حسن بنا در سفر به مراسم حج با روحانی مجاهد آیت الله کاشانی دیدار کرد.

افتاد و ماشین با پلاک شماره ۹۹۷۹ می‌گریزد، شماره اتومبیل شاهزاده محمود عبدالمجید مدیر بررسی جنایی وزارت کشور مصر.

حسن البنا ترور شده و به شهادت رسید اما جمعیتی که اساس آن را گذاشت تا امروز به کار خود در جهت مبارزه برای اسلام ادامه می‌دهد، شهیدی که در کتاب خود با عنوان «مذاکرات الدعوه و الداعیه» خود را ادامه دهنده راه سید جمال الدین و محمد عبده در جهت اتحاد کشورهای اسلامی و مبارزه با استعمار می‌داندست.

در مورد حسن البنا ده‌ها کتاب تا کنون به رشته تحریر درآمده و برخی آثار و تألیفات هم از او به جا مانده که از میان آنها می‌توان اشاره کرد به: احادیث‌الجمعه، اخوان المسلمین تحت رایه القرآن، الی ای شی ندعو الناس، بین‌الاسس و الیوم، دعوتنا، رساله الجهاد، العقاید و النظام الاقتصادي.

بنا و بنا کردن اخوان المسلمین

جواد حسینی نصر

برادران

در مارس ۱۹۲۸ حسن البنا در حالی که تنها ۲۲ سال سن داشت به همراه شش تن از دوستانش یعنی «حافظ عبدالحمید»، «اسماعلی عز» و «ذکی مغربی» پایه‌گذار جمعیتی شدند که «اخوان المسلمین» خوانده شد.

جمعیتی با هدف گسترش اسلام، مبارزه با استعمار بریتانیا و فرانسه، تقریب مذاهب اسلامی و مقابله با خطر در حال گسترش صهیونیسم.

در سال ۱۹۳۲ تشکیلات و رهبری اخوان به قاهره منتقل شد، در کنار این جمعیت هم جمعیت «اخوان المسلمین» یعنی خواهران مسلمان و زیر نظر بانو زینب غزالن تشکیل شد.

کنگره‌های جمعیت یکی پس از دیگری برگزار می‌شد و بر اعضا و هسته‌های مختلف آن به تدریج و با سرعت عجیبی اضافه می‌شد، در سال ۱۹۳۵ گروه سیاسی - نظامی با عنوان «الجواله» تأسیس شد، در کنگره پنجم اخوان هدف خود را آزادی وطن اسلامی از سلطه بیگانه و تشکیل دولت آزاد اسلامی عنوان کرد.

جهاد

استاد حسن البنا که در مصر با عنوان امام حسن البنا خوانده می‌شود در ششم ماه مه ۱۹۴۸ فتوای «جهاد مقدس» را برای آزادی فلسطین صادر کرد، گروه‌های نظامی در مصر، سوریه، اردن و عراق سازماندهی شدند و همین باعث شد تا توطئه‌ها علیه بنا و اخوان المسلمین آغاز شود، دولت نقراشی پاشا نخست‌وزیر مصر در دسامبر ۱۹۴۸ دستور انحلال اخوان و مصادره اموال و دستگیری رهبران را صادر کرد، کاری که در مورد بنا با وجود علاقه‌مندان و پیروان فراوانش نمی‌توانستند انجام بدهند، در آخرین روزهای سال ۱۹۴۸ ماشین و راننده و اسلحه بنا توقیف شدند، بنا به دولت مصر اخطار داد که عواقب همه‌ی این کارها به عهده آنهاست.

در بهمن ماه ۱۹۴۹ هنگامی که بنا از ساختمان جمعیت شبان المسلمین خارج می‌شد و رئیس این جمعیت در حال بدرقه‌ی او بود ناگهان تلفن داخل ساختمان زنگ می‌خورد، رئیس جمعیت برای پاسخگویی به داخل ساختمان بر می‌گردد که در همین موقع صدای رگبار گلوله در خیابان می‌پیچید، او با عجله بر می‌گردد، استاد بنا غرقه خون به زمین

یک چیزهایی باید از کودکی و نوجوانی در جان برخی افراد باشد تا بتوانند در سال‌های جوانی نقش رهبری جامعه را به عهده بگیرند.

اینکه جوانی ۲۲ ساله بتواند جمعیتی را تأسیس و رهبری کند در تاریخ شاید نادر و استثنایی باشد، اما این کار از عهده شخصی به نام «حسن احمد عبدالرحمن بن محمد بنا» در مصر برآمد شخصی که به اختصار او را «حسن البنا» می‌خوانند و در سال ۱۹۰۶ در محمودیه، شهری نزدیک اسکندریه‌ی مصر به دنیا آمد.



بنا از هشت تا دوازده سالگی در مدرسه‌ی رشاد درس خواند، تا قبل از چهارده سالگی بخش عمده قرآن مجید را حفظ کرد و سپس در نوجوانی به عضویت گروه‌هایی مانند «جمعیت اخلاق و آداب» و «انجمن امر به معروف و نهی از منکر» و «طریقت اخوان حصافیه» شد.

در همان دوره‌ی نوجوانی رهبری «جمعیت حصافیه برای نیکوکاری» را به عهده گرفت که با هدف صیانت از اخلاق اسلامی در مصر تأسیس شده بود. او در سال ۱۹۲۳ به قاهره رفت و وارد دانشرای عالی این شهر شد، او در ۱۹۲۷ فارغ‌التحصیل شده و به عنوان معلم زبان عربی و اخلاق و معارف اسلامی مشغول کار شد.

آشنایی با محب‌الدین خطیب و شیخ رشید رضا موجب رشد علمی و فکری بنا شد به صورتی که شیخ علی طنطاوی که برای دیدن خطیب آمده بود، بنا را اینگونه توصیف می‌کند: «او را دیدم در حالی که طبعی هدایت شده و مورد رضایت مردم، ایمانی راستین، زبانی توانا و با قدرت عجیب اقناع، توانی فوق‌العاده در توضیح‌المسائل سخت و حل کردن اختلاف‌ها داشت و در میان مردم محبوب بود.»



او را دیدم در حالی که طبیعی هدایت شده و مورد رضایت مردم، ایمانی راستین، زبانی توانا و با قدرت عجیب اقناع، توانی فوق العاده در توضیح المسائل سخت و حل کردن اختلافها داشت و در میان مردم محبوب بود

اتحاد: اتحاد، پایه‌ی اساسی جنبش است و پیروزی جنبش اسلامی بدون زدودن عوامل تشتت و تفرقه از میان فرزندان امت اسلام، امکان پذیر نیست.



آزادی از سلطه‌ی استعمار: حسن البنا به جای واژه‌ی استعمار، واژه‌ی استخراب (طلب ویرانگری) را به کار می‌برد و استعمار را عنصری مخرب برای وحدت امت اسلام و مانعی مهم در برابر ایجاد حرکت اسلامی به شمار می‌آورد. از این رو، از امت اسلامی خواست که با استعمار مبارزه کنند و از یوغ آن خود را آزاد کنند تا مقدمات لازم برای جنبش گسترده فراهم شود.

برپایی حکومت اسلامی: تشکیل حکومت اسلامی بر اساس احکام قرآنی و سنت پیامبر (ص) و سیره‌ی نبوی برای تشکیل جنبش اسلامی، ضرورتی حیاتی و لازم به شمار می‌رود.

عوامل انحطاط و واپس‌ماندگی جهان اسلام: بنابراین شنیدن درباره نحوه‌ی ایجاد منش وسیع اسلامی و ضرورت انجام پژوهش درباره‌ی عوامل انحطاط جهان اسلام تأکید می‌کند تا در پرتو پژوهش‌ها، خطاها و بیماری‌های گذشته روشن شوند. با این کار، تبیین تجربه‌ی انحطاط و واپس‌ماندگی جهان اسلام و کوشش برای توسعه‌ی جنبش اسلامی و در نتیجه عدم تکرار تجربه‌های تلخ انحطاط و فروپاشیدگی جهان اسلام، امکان پذیر شود.

ریشه‌های اندیشه‌ی حسن بنا

هم‌چنین به باور وی امت اسلام تنها در صورت ایمان به خدا، به سیادت کامل دست می‌یابد. **نیروی مادی:** به باور وی امت اسلام تنها در صورت رسیدن به قدرت مادی در ابعاد گوناگون، به کمال و پیروزی می‌رسد: در حد توان نیرومند باشید و خودتان را آماده کنید. «تا آن‌جا که می‌توانید در برابر آنان (دشمنان) قدرت تدارک ببینید.» این آیه در آرم اخوان المسلمین به شکل بارزی موجود است.

نیروی معنوی: ارکان حرکت اسلامی تنها با کسب تغییر درونی به کمال دست می‌یابد: «خداوند آن چه را در مردمی هست تغییر نمی‌دهد، تا آن که آنان آن چه را در خود دارند تغییر دهند.» بنابراین باید از خود آغاز کنیم و سپس درباره تغییر جامعه بیندیشیم.

دین و سیاست: اسلام پاسخگوی خواست‌های زمان و مشکلات کنونی است. از این رو، حسن البنا آشکارا با نظریه‌ی جدایی دین از سیاست مخالفت می‌کرد و می‌گفت: «ما با دیدگاه دکتر طه حسین و دیگران که به نظریه‌های جدایی دین از سیاست و جدایی دین از میهن‌دوستی باور دارند، مخالف هستیم و بر این باوریم که اسلام به هیچ وجه با سیاست، دانش و گرایش میهن‌دوستی مخالف نیست.»

زیرساخت‌های سیاسی حرکت: حسن البنا زیرساخت‌های ساختار سیاسی جنبش جهانی اسلامی را بسیار جست‌وجو کرد. وی بر این باور بود که پایه‌های بنیادی جنبش از این قرار است: **رهبری:** نمونه‌ی این رهبری، پیامبر اکرم (ص) است.

حسن البنا در حیطه‌های فکری و عملی، آثار و اندیشه‌هایی از خود برجای گذاشته که می‌توان فهرست‌وار به آن‌ها اشاره کرد:

معنای اصلاح: حسن البنا بر این باور است که اصلاح باید از شکل و محتوای منطقه‌ای برخوردار شود و به شکل تقلید از غرب و مفاهیم و فلسفه‌ی آن در نیاید، زیرا به اعتقاد وی نظریه‌ها، الگوها و مدل‌های غربی در جوامع شرقی، از کارآمدی لازم برخوردار نیستند.

معنای حرکت: در اندیشه‌ی حسن البنا معنای حرکت جایگاه وسیعی دارد. از نظرگاه وی این مفهوم سه رکن بنیادی دارد:

الگوی برتر: به باور البنا الگوی برتر همان قرآن است که بنیاد آن را ایمان به خدا تشکیل می‌دهد.

بنا و حج ایرانی

عربستان به دلیل منع اکید مقامات سعودی امکان پذیر نبود. ولی شیخ حسن البنا راه حلی برای این کار یافت، او همه مناسک حج را در روزنامه‌اش چاپ و در موسم حج وارد عربستان کرد. این روزنامه میان حجاج پخش شد و اثر بسیار جالب و مثبتی در میان مسلمانان داشت، در همان سال شیخ حسن البنا به حج عازم شد و در آنجا با روحانی مجاهد، آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی رهبر دینی جنبش ملی شدن نفت ایران دیدار کرد.

آیت‌الله محمد علی تسخیری، در مقاله‌ای با عنوان «تلاش‌های حسن البنا برای تقریب مذاهب اسلامی» خاطره‌ای از آیت‌الله محمدتقی قمی نقل کرده با این عنوان: پس از حادثه اعدام سیدابوطالب یزدی در حجاز، سفر ایرانیان به حج برای چند سال قطع شد. دارالتقریب برای رفع سوء تفاهم‌ها اقدام به نشر مناسک حج براساس مذاهب پنجگانه یعنی چهار مذهب اهل سنت و مذهب شیعه امامی کرد، اما وارد کردن این مناسک حج به